

کتاب جمهور، ۱۳
فرهنگی اجتماعی

جهانی شدن فرهنگی

آزمونی برای تمدنها

نوشته ژرار لوکیر

ترجمه سعید کامران

کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه

تهران - بهار ۱۳۸۴

فهرست نویسی پیش از انتشار

Leclerc, Gerard

لوکلر، ژرار، ۱۹۴۳ - م.

جهانی شدن فرهنگی: آزمونی برای تمدنها / نوشته ژرار لوکلر؛ ترجمه سعید کامران؛
[برای] کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه - تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات،
۱۳۸۲.

شش، ۵۲۲ ص. - (کتاب جمهوری ۱۳، فرهنگی - اجتماعی)

ISBN 964 - 361 - 205 - 8:

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا (فهرست نویسی پیش از انتشار)
عنوان اصلی:

La Mondialisation Culturelle

Les Civilisation à l'épreuve

کتابنامه: ص. ۵۳۳-۵۴۰ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. شرق و غرب. ۲. جهانی شدن. ۳. فرهنگ زدایی. الف. کامران، سعید، مترجم. ب. ایران. وزارت امور
خارج. کتابخانه تخصصی. ج. ایران. وزارت امور خارجه. مرکز چاپ و انتشارات. د. عنوان.

۹۰۹/۸۲

ج ۹ / ۲۵۱ CB

۱۳۸۲

م ۸۲ - ۲۵۶۸۹

کتابخانه ملی ایران

کتاب جمهوری، ۱۳

عنوان: جهانی شدن فرهنگی: آزمونی برای تمدنها

نوشته ژرار لوکلر

ترجمه سعید کامران

چاپ اول (مرحله اول): ۱۳۸۲

چاپ اول (مرحله دوم): بهار ۱۳۸۴

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

اجرای طرح روی جلد: فاطمه حاجی محمدخان

حروفچینی و صفحه آرایی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

دفتر مرکزی: مینی مینی، میدان شهید محلاتی، خیابان نخل، خیابان وزارت امور خارجه

تلفن: ۷-۲۴۵۸۶۰۴، دورنگار: ۳-۲۴۵۸۶۰۳

فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان شهید باهنر، خیابان شهید آقایی

صندوق پستی ۴۷۴۶/۱۹۳۹۵، تلفن: ۲۸۰۲۶۶۲

فروشگاه شماره ۳: تهران، انتهای خیابان شهید باهنر، میدان شهید باهنر، تلفن: ۷۱-۲۲۹۲۲۷۰

جامعه ایران یکی از جوان‌ترین - شاید جوان‌ترین جامعه - در جهان کنونی است. بیش از نیمی از جمعیت ایران را جوانان تشکیل می‌دهند. یکی از ویژگی‌های مهم این جامعه جوان آن است که خود را نسبت به آنچه در پیرامونش می‌گذرد بی‌تفاوت نمی‌داند. تحولات سیاسی - اجتماعی شگرفی که در ایران با پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد و در نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ آهنگی فزاینده یافت، تبلور بلوغ فکری و رشد سیاسی اجتماعی بالنده این جامعه جوان است. چنین جامعه‌ای اگر آموزش لازم نبیند، بیم آن می‌رود که به انحراف کشانده شود و نیروی سازنده‌اش به نیروی مخرب بدل گردد. فقط نمی‌توان انتظار داشت که نهادهای آموزش رسمی بتوانند از عهده چنین مهمی برآیند. آموزش غیررسمی و مادام‌العمر نقش مهمی در پرورش افکار عمومی، رشد و توسعه سیاسی و گسترش مردم‌سالاری خواهند داشت. رسانه‌های همگانی - از جمله کتاب - در این فرایند تاریخی رسالتی عظیم برعهده دارند.

خدای را سپاس می‌داریم که بخشهای مختلف معاونت آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه به این امر مهم عنایتی خاص دارند و می‌کوشند با انتشار کتاب و نشریات ادواری در حوزه‌های گوناگون علوم سیاسی و اجتماعی پاسخگوی نیازهای علمی و پژوهشی متخصصان و دانش‌پژوهان و محققان کشور باشند. از جمله در «کتاب جمهور» کوشش می‌شود مهم‌ترین و اساسی‌ترین کتابها در حوزه تاریخ و علوم سیاسی و اجتماعی به فارسی ترجمه و منتشر گردد، تا بتواند بر غنای ادبیات علوم اجتماعی در زبان فارسی بیفزاید.

علیرضا معیری

معاون آموزش و پژوهش

وزارت امور خارجه

فهرست مطالب

۳	مقدمه. از جهانی شدن مبادلات تا جهانی بودن فرهنگی
۱۳	بخش اول. از تمدن‌ها تا جهانی بودن فرهنگی
۱۵	فصل ۱. کشف جهان و ساخت اروپایی جهانی بودن / مدرنیته
۳۱	فصل ۲. تمدن‌های بزرگ و دیگران
۵۹	فصل ۳. تمدن‌های بزرگ و تکوین پدیده جهانی شدن
۹۷	بخش دوم. جهانی شدن و تولد علوم انسانی
۹۹	فصل ۱. لشکرکشی به مصر و تولد اسلام‌شناسی
۱۱۷	فصل ۲. از شرق‌زدگی تا تولد هندشناسی
۱۳۵	فصل ۳. تولد چین‌شناسی: از یسوعیان تا امپریالیسم و تا مائو
۱۴۹	فصل ۴. کشف تاریخ جهان
	بخش سوم. شرق‌شناسان غربی و روشنفکران جهان سوم (غرب‌شناسان شرقی)
۱۷۹	
۱۸۱	فصل ۱. امپریالیسم و آثار فرهنگی آن: شرق‌شناسان و روشنفکران تجددگرا
۱۹۳	فصل ۲. اسلام و غربی شدن: از برخورد نابرابر تا مقابله
۲۲۳	فصل ۳. هند و غربی شدن: آثار امپریالیسم ملایم
۲۶۱	فصل ۴. چین و غربی شدن: از تکه‌تکه کردن نیمه استعماری تا بیداری تدریجی
۲۹۵	فصل ۵. غربی شدن ژاپن: یا چگونه شرق امپریالیسم را با خود مطابقت می‌دهد.

بخش چهارم. شرق و غرب ۳۱۷

فصل ۱. پارادوکس اروپا (خصوصیت و کلیت) ۳۱۹

فصل ۲. از موزه خیالی تا کتابخانه بابل ۳۲۷

فصل ۳. تاریخ عمومی: جهانی شدن و غربی شدن ۳۵۱

فصل ۴. مدرنیته درون‌زا، مدرنیته برون‌زا ۳۶۱

فصل ۵. عدم پذیرش نظارت خارجی ۳۷۵

بخش پنجم. مُعضلات امور جهانی ۳۹۵

فصل ۱. عظمتها و انقیادهای شرق شناسی ۳۹۷

فصل ۲. زیر نگاه غرب (شرق‌شناسان غربی و روشنفکران شرقی) ۴۱۵

فصل ۳. روشنفکران میان سنت و مدرنیته (عرفی شدن فرهنگ) ۴۵۳

فصل ۴. روشنفکران در عرصه جهانی: گروههای روشنفکری در تبعید ۴۷۹

فصل ۵. مدرنیته و جهانی بودن ۵۰۳

سخن آخر: روشنفکران و جهانی شدن ۵۱۷

کتابشناسی ۵۳۳

مقدمه

از جهانی شدن مبادلات تا جهانی بودن فرهنگی

چندی است که از «جهانی شدن» زیاد صحبت می‌شود، موضوعی که غالباً از دیدگاه اقتصادی مورد تحلیل قرار می‌گیرد زیرا بر مبادلات کالاها و خدمات و همین طور بر تولید و مصرف آنها به صورت کمی و کیفی تأثیر می‌گذارد. در اثر جهانی شدن این مجموع فرایندهای اقتصادی است که در حال تغییر و تحول است. آیا به سوی یکی شدن همه بازارهای محلی و جذب کامل آنها در بازار جهانی گام بر می‌داریم؟ به دنبال این سؤال که حالا دیگر خیلی تکرار می‌شود، پدیده جهانی شدن فرهنگی مطرح می‌گردد. ماهیت و آثار و عواقب این پدیده نسبت به جهانی شدن اقتصادی هنوز بسیار پیچیده‌تر و ارزیابی آن بسیار مشکل‌تر است.

چرا تشخیص و تفکیک جهانی شدن فرهنگی از جهانی شدن «اقتصادی» و سیاسی هم ممکن و هم لازم است؟ چه چیزی داراییهای فرهنگی را از داراییهای اقتصادی متمایز می‌سازد؟ چه چیزی باعث می‌شود که داراییهای فرهنگی به عنوان داراییهای اقتصادی «ساده» و «معمولی» تلقی نگردند؟ اطلاعات، اندیشه‌ها، مسلکها، دانشها و ادیان نمادها و نشانه‌ها هستند. همان طور که داراییهایی هستند که تولید می‌شوند (توسط بعضی افراد و گروهها)، جریان می‌یابند (از طریق افراد و گروههای دیگر) و «مصرف می‌شوند» (توسط گروهها، جوامع، اقوام، فرهنگها و در نهایت توسط افراد). اما خواص ویژه داراییهای نمادی و فرهنگی چیست؟

اول اینکه بحث در اینجا مربوط به داراییهای «غیر مادی» است. از این نظر می‌توان آنها را به چیزهایی نزدیک دانست که اقتصاد دانان آنها را «خدمات» می‌نامند. آنها حاصل انجام دیون و الزامات بین شرکای اجتماعی هستند که در اینجا شامل مبادلات استدلالی، شفاهی و یا کتبی

می‌باشند. نمادهای فرهنگی جاری در دنیا نظیر گفتار مذهبی، علمی، مسلکی، ادبی و غیره به شکل مبادلات کلامی رو در رو و یا از طریق ابزار رسانه‌های همگانی در می‌آیند. در این صورت داراییهای فرهنگی حامل نوع خاصی از «خدمت» هستند و نوع خاصی از «مصرف» را القا می‌کنند. خدمت ارائه شده در مورد داراییهای فرهنگی در تحلیل نهایی تهیه و تدارک (تولید و نشر) حقیقت و از خلال حقیقت، رستگاری است. وقتی انسان پیام را دریافت داشت و حقیقت نهفته در آن را درک کرد، آنگاه می‌تواند «خود را اصلاح کند»: او به طریق حقیقت دسترسی دارد و صدا را شنیده است، پس نجات یافته یا می‌تواند نجات یابد. از این پس شاید بیشترین اشتیاق و مقاومت ناپذیرترین خواست او این باشد که به نوبه خود پیام را به کسانی در اطراف خود و یا در دور دست برساند که هنوز موهبت و امتیاز شنیدن این صدا و کشف این طریقت نصیبشان نشده است. تبلیغ و موعظه جهانی، بخشی جدایی‌ناپذیر از جریان و گردش پیامهای بزرگ فرهنگی را تشکیل می‌دهند.

حاصل داراییهای فرهنگی پدیده ایجاد یقین و پیامدهای آن چون باور، ایمان، گرویدن به یک پیام و سهم شدن در یک شهادت است. متقاعد ساختن و ایجاد یقین لزوماً نتیجه یک مبادله رودررو و یا یک برنامه رادیویی یا تلویزیونی نیست. از قرن‌ها و هزاره‌های پیش، نوعی از جریان و گردش مطالب به شکل گفتار و کلمات و همچنین متون، کتابها، و روزنامه‌ها وجود داشته است. خط و بعد از آن بخصوص چاپ واسطه‌ای برای جریان اجتماعی درون جوامع و بین جوامع و یا به عبارتی جریان اجتماعی بین المللی و بین تمدنها بوده است: وسیله‌ای برای نشر مطالب، افکار دینی یا فلسفی و همچنین اطلاعات و اخبار در مقیاس جهانی.

جهانی بودن از بعضی جهات نشانه وقوع یک انقلاب در ارتباطات است: انقلاب در انتقال پیامها (ظهور الکتریسته از سال ۱۸۹۰ و بخصوص گسترش آن به صورت الکترونیک از سال ۱۹۶۰)، انقلاب در نقل و انتقال انسانها (پیدایش هواپیما از سال ۱۹۰۰ و بخصوص پس از آغاز عصر جت پس از سالهای ۱۹۶۰). ترکیب آثار و عواقب این دو تحول بزرگ، نقش عمده‌ای در فرایند فعلی جهانی شدن داشته است. در سالهای ۱۹۹۰ هواپیماهای بزرگ (بوئینگ، ایرباس)

توسعه گردشگری بصورت انبوه را امکان‌پذیر ساخته و جابجایی بین قاره‌ای مهاجران را آسان کرده‌اند. همزمان با آن، برنامه تلویزیون جهانی^۱ و سپس «شاهراههای اطلاعاتی» و بالاخره اینترنت^۲ ظهور یک جریان جهانی و لحظه‌ای پیامها، تصاویر و گفتارها را امکان‌پذیر ساخته‌اند. صبح رادیو را روشن می‌کنم و صدای روزنامه نگار پارسی را می‌شنوم که باهمکار خود در هنگ کنگ یا قاهره مشغول گفتگو است. همسرم می‌گوید که یکی از دفاتر شرکت واقع در سنگاپور یک نامه الکترونیکی^۳ فرستاده تا اطلاع دهد که نماینده آن باید هفته آینده به اروپا بیاید. خودش هم باید یک پیام فاکس برای دفتر مرکزی در نیویورک ارسال کند و در مورد بازدید رئیس شرکت از پاریس تأکید کند. در حین صحبت او اخبار و تفسیرهایی از اوضاع بیت المقدس و کرانه رود اردن دریافت می‌کنم. این دنیایی که من در آن زندگی می‌کنم دنیای جدیدی است که از نظر کسی که در قرن گذشته می‌زیسته بس عجیب و خارق العاده می‌نماید. این دنیا حقیقتاً همان چیزی است که شکسپیر پس از شوک حاصل از کشفیات بزرگ آن را «دنیای جدید عالی»^۴ می‌نامد. این اصطلاح را آلدوس هاکسلی^۵ برای عنوان کتابش به کار برد که با عنوان «بهترین دنیا»^۶ به فرانسه ترجمه شد. آیا از این پس ما در بهترین دنیا قرار گرفته‌ایم؟

چه بسیار افرادی از طبقات ممتاز یا روشنفکران و نخبگان که بطور عادی و روزمره (آخر اولین شگفتیهای دوران کودکی و توجوانی مدتها است فراموش شده) در سفرهایی که با سرعت ۹۰۰ کیلومتر در ساعت برای انجام یک مأموریت اداری یا یک گفت و شنود دانشگاهی به مراکز شهری ایالات متحده، سائوپائولو، مسکو و یا لااقل رم، برلین، رباط یا قاهره رفته‌اند؟ چقدر فراوانند کسانی که در یک سفر تفریحی تنها پس از ده ساعت پرواز با جت به بهشتیهای آفتابی جزایر سی شل^۷، آنتیل یا آفریقای جنوبی می‌رسند؟ سواحل هائیتی یا باهاماس، دانشگاههای کالیفرنیا یا نیوانگلند، دنیاهای جدید سرمایه داری اروپای مرکزی، افسون و غربت فرهنگی خاور

1. mondovision

2. Internet

3. E-mail

4. brave new world

5. Aldous Huxley

6. le meilleur des mondes

7. Seychelles

نزدیک، خاور دور که تا مدتها برای عامه مردم اروپا غیر قابل دسترسی بود، همه این مقاصد، همه نشانه هایی هستند که از تولد یک دنیای جدید، یک تغییر و تحول شگفت انگیز در روابط نه تنها بین غرب و سایر تمدنها بلکه بین انسانها و گروهها و یک اختلاط بی سابقه جوامع و تمدنها خبر می دهند. این تغییر و تحول تنها محدود به گردش و جابجایی انسانها نمی شود بلکه گردش و جریان پیامها را نیز شامل می گردد. تا مدتها مبادلات میان فرهنگی به صورت نوشته که سلف قوم نگاری^۱ و مردم شناسی^۲ امروزی است تنها شامل شرح جابجایی یک سیاح از محیط فرهنگی خود (غالباً تمدن اروپایی) به تمدنهایی بوده است که بر سر راهش قرار می گرفته اند. از رنسانس به بعد این آثار را «سفرنامه» نامیده اند زیرا آنها بیشتر شرح وقایع سفر سیاح اروپایی بوده اند تا تشریح تمدن مشاهده شده توسط او، و فاصله های فیزیکی و جغرافیایی بیشتر مورد توجه قرار گرفته اند تا فاصله های نمادی و میان - فرهنگی.

قبل از شکل گیری جهانی بودن فرهنگی واقعی و قبل از اینکه داده های انباشته شده طی قرنهای در سفرنامه ها باالگویی جدید و واقعاً جهانی مجدداً رمزگذاری شده باشند، مردم شناسی چندان ممکن نبوده است. دوران ما شاهد جایگزین شدن گزارشگری و خبرنگاری به جای سفر رفتن است. مسافرت مستلزم طی مسافتهای طولانی و صرف وقتی برای جابجایی بود که گاه بیشتر از زمان اقامت بود. سفرها باعث به وجود آمدن داستانهای غریب و اعجاب انگیزی شده اند که هنوز ما را به رؤیا فرو می برند، از قصه های ابن بطوطه تا سفرهای پرماجرایی دور دنیای کوک^۳ و اکتشافات استانی^۴. گزارش کوتاه^۵ توصیف سریع و لحظه ای یک وضعیت با واقعه است که پس از یک سفر کوتاه چند روزه یا چند ساعته انجام می گیرد. در حد فاصل این دو نوع روایت، گزارش مفصل یا تحقیقی^۶ قرار دارد که مستلزم اقامت یا جابجاییهای کم و بیش طولانی چند روزه، چند هفته ای و گاه چند ماهه در یک محل معین است و به نظاره گر امکان می دهد یک جامعه خرد^۷ و

1. ethnographie

2. anthropologie

3. Cook

4. Stanley

5. reportage

6. Enquête

7. micro - société

آداب و رسوم، اعتقادات و فرهنگ آن را با دقت بررسی و مطالعه کند. این نوع گزارش تحقیقی که در غرب با هرودوت^۱ زاده شده در قرن بیستم با مالینوسکی^۲، لوی استراوس^۳ و گیزتز^۴ از بین رفت. با این حال از سال ۱۹۵۰، ما شاهد نوعی فشردگی و انقباض فضا - زمان برای انسان هستیم که ناشی از پدیده‌ای است که آن را «تسخیر سرعت» می‌نامند. با کاهش زمان و هزینه حمل و نقل، دنیایی در حال تولد است که در آن انتقال «اخبار» آنی است و همه انسانها نزدیک و هم عصر یکدیگرند.

از این به بعد به علت مهاجرت‌های بزرگ، شاهد پاره پاره شدن‌های قومی فراوانی خواهیم بود که بنیان جغرافیایی هویت‌های کهن یعنی ملت‌ها و اسطوره‌های مربوط به ریشه آنها، قوم‌ها و داستان‌های تکوین موقعیت و رابطه آنها با دیگر انسان‌های نزدیک یا دور، همسایه یا بیگانه و دوست یا دشمن را به زیر سؤال می‌برند. از این پس مرزهای مادی و فیزیکی که گروه‌های انسانی از قبایل گرفته تا مجموعه‌های بزرگ مدنی یا مسلکی را از هم جدا می‌کنند، مجدداً به صورت عملی و نه فقط نظری مورد پرسش و بررسی قرار می‌گیرند. آخرین مرز بزرگ یا مهم‌ترین مرز قرن بیستم یعنی پرده آهنین با شکسته شدن ضعیف‌ترین حلقه آن که قوی‌ترین نیز به نظر می‌رسید یعنی دیوار برلین از بین رفت. همان‌طور که می‌دانیم، این واقعه باعث از هم پاشیدن دو بلوک بزرگ ایدئولوژیکی گردید که سیاره ما را بین خود تقسیم کرده بودند. اما سایر مرزها که بطور سنتی ملت‌ها یا مجموعه‌های سیاسی و فرهنگی را از هم جدا می‌کنند و به شکل دریاها، رودها و کوه‌ها تجسم یافته‌اند نیز به دلیل عدم کارایی و یا از دست دادن اعتبار خود، در معرض نابودی قرار گرفته‌اند نظیر مرز بین ایالات متحد و مکزیک، مرز بین اروپا و مغرب، مرز بین اروپای غربی و مرکزی، مرز بین اروپا و آسیا و ایالات متحد آمریکا و آسیا.

ما بدون آنکه متوجه باشیم در حال گذار از دنیای انزوای فرهنگی به دنیای دیگری هستیم که روابط میان - فرهنگی در آن حاکم است و از دورانی که مشخصه آن استقلال فرهنگی جزیره

1. Hérodote

2. Malinowski

3. Lévi-Strauss

4. Geertz

گونه‌ای سستی است به دوران تعمیم روابط متقابل و ارتباطات قدم می‌گذاریم. بنابراین باید دیدگاه بررسی و تحلیل خود را از جهانی شدن اقتصادی به جهانی بودن فرهنگی تغییر دهیم. جهانی شدن اقتصادی به معنای توسعه جهانی بازار و تعمیم و تشدید روابط بین اقوام، ملتها و گروه‌های انسانی است. در حالی که جهانی بودن فرهنگی به نوعی، حالت نهایی جهانی شدن اقتصادی محسوب می‌شود و بعد سیاسی، فرهنگی، مذهبی و ایدئولوژیکی پدیده‌ای را تشکیل می‌دهد که غالباً از زاویه اقتصاد و جغرافیای سیاسی با آن برخورد می‌شود.

از طرف دیگر جهانی بودن مرکززدایی از زمین و به عبارت دیگر پایان تصویری قدیمی یعنی وجود یک «مرکز عالم» است. از نظر تاریخی «حرکت تمدن»، همان اصطلاحی که اروپاییان قرن نوزدهم به کار می‌بردند، به معنای دنباله‌ای از تمدنها بوده است که به نوبت می‌توانسته‌اند مدعی شوند که در «مرکز عالم» قرار دارند و تمدن مرکزی و مسلط هستند: خاور نزدیک، مصر، تمدن یونان، روم، مسیحیت، اسلام، پرتغال و اسپانیا، هلند و انگلستان، فرانسه، آلمان، ایالات متحد و اتحاد جماهیر شوروی و گویا شاهد تولد دنیایی هستیم که فاقد مرکز است و یا لاقطر مرکز آن مشکوک، موقتی، نامطمئن، نسبی و مورد ادعا و مطالبه رقبا جهانی است. البته ایالات متحده از نظر بسیاری از تحلیلگران ظاهراً از چنان ظرفیت و تفوق جهانی برخوردار است که در تاریخ نظیر آن دیده نشده است؛ اما اروپا این قاره پیر نیز پس از التیام زخمهای خود در جستجوی وحدت است، همین طور ژاپن، دنیای اسلام، چین و شاید فردا برزیل یا آفریقای جنوبی... باید درباره جنبه تاریخی و اجتماعی مفهوم «مرکز» از نو اندیشید. از یک سو قدمت تاریخی تمدنهای «مرکزی» وجود دارد و از سوی دیگر احساس اجتماعی جهانی در مورد مرکزیت. آنچه را که «قوم مداری»^۱ می‌نامیم تنها مربوط به اروپاییان فاتح نبوده است بلکه در بین اعراب، چینها، هندوها و همین طور اسکیموها و بومیان آمازون نیز وجود داشته است.

به نظر می‌رسد که ریشه مفهوم «مرکز» را باید در یک ضرورت روانشناختی و معرفت‌شناختی جستجو کرد. هر انسانی یک مرکز دارد و خود یک «مرکز» است؛ لازمه دانایی و

آگاهی وجود عاملی است که با درک و فهم جهان، اطلاعات بیرونی، دریافتها و احساسات را به درون می‌ریزد. عامل، همان ضمیر و شعور به عنوان مرکز ادراک و تصاحب حقیقت است. این حقایق قدیمی و بدیهی امروزه به علت تمرکز زدایی تعمیم یافته که همان جهانی بودن است مورد پرسش مجدد قرار گرفته‌اند. پس از «انقلاب کپرنیکی» که شاهد به زیر کشیدن زمین از جایگاه مرکزی خود در ستاره‌شناسی ارسطویی بود، بعد از «انقلاب فرویدی» که شاهد تبعید شعور و آگاهی از آن موقعیت محوری بود که فلسفه، پس از «انقلاب دکارتی» به آن بخشیده بود، شاید اینک با آخرین انقلاب مواجه هستیم، انقلابی که در یک کره دورافتاده در گوشه کائنات، دنیایی بدون یک مرکزیت مطلق را به نمایش می‌گذارد، سیاره‌ای که در آن فقط مراکز نسبی، موقتی یا جزئی باقی مانده و در آن هر فرد با اعتقادات، یقین‌ها و ایمان خود باید «جهان‌بینی» خود را رو در رو و در مواجهه با جهان‌بینی دیگری، دیگران، نزدیکان، هموعان، «بیگانگان» و «غریبه‌ها» قرار دهد.

یک تمدن را می‌توان متشکل از یک مرکز و تعدادی مرز دانست. عصر ما عصری است که شاهد پایان تمدنهای منزوی و ورود آنها به یک جامعه انسانی یکپارچه است. از دوره‌ای که یاسپرس^۱ آن را «عصر محوری» نامیده است (پایان هزاره اول قبل از میلاد مسیح) تا قرن نوزدهم و حتی پایان قرن بیستم، تماس بین گروههای فرهنگی (قومها، قبایل) و حتی تمدنهای بزرگ‌گاه آرام و صلح‌آمیز و گاه تند و خصومت‌آمیز بوده است. به هر حال این تماسها یا هرگز وجود نداشته است و یا متناوب، منقطع و حاشیه‌ای بوده است. امریکا توسط اروپا در اوایل قرن شانزدهم و استرالیا در پایان قرن هجدهم «کشف شدند»، پولینزی و افریقا در قرن نوزدهم توسط اروپاییان مورد کاوش قرار گرفت، دروازه‌های دریایی چین و ژاپن نیز تنها در نیمه دوم قرن نوزدهم به روی دنیا باز گردید. امروزه تماسهای مستمر، فشرده و چند بعدی (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، ایدئولوژیکی، مذهبی) میان کل جوامع انسانی در حال افزایش است. مبادلاتی که ممکن است آرام و صلح‌آمیز باشد و باعث چیزی گردد که قوم‌شناسان به آن «تماسهای فرهنگی»

می‌گویند و اشکال مختلفی از فرهنگ پذیری^۱ را به دنبال داشته باشد. برخوردهایی نیز که ممکن است نزاع‌آمیز باشند نظیر تجدید حیات جنگهای مذهبی کهنه میان تمدنی که نمونه شاخص آن جنگ صلیبی میان عالم مسیحیت و اسلام است و یا منازعات میان قومی و رقابت بین مطالبات سیاسی اجتماعی در سطح بین‌المللی.

جهانی بودن، آن گونه که در برابر دیدگان نزدیک بین ما ترسیم می‌شود، تعادل ناپایداری است بین گرایش به اقدامات عملی عمومی و همگانی و یک جهانگرایی در جستجوی خویش. تمام ادیان بزرگ جهانی، از یک ادعای قوم‌مدارانه در مورد جهان‌گرایی و ایجاد سامانه‌هایی برای رستگاری همه انسانها برخوردارند. بنابراین همه آنها با روحیه مبلغان مذهبی یا کشورگشایان در پی تبلیغ و ترویج خود هستند. در نتیجه رقابت و تعارضاتی حاصل گشته که غالباً باعث جنگهای فراوانی شده و تنها در چند مورد نادر به روحیه آشتی و مصالحه و سازش منجر شده است. این روحیه البته چیز کمی نیست، بلکه پیروزی والایی است که از مبارزات سترگ قرون شانزده و هجده به دست آمده است. پیروزی بر پایه کثرت‌گرایی^۲ فرهنگی اروپا یا تسامح^۳ و سکولاریسم^۴. در چنین زمینه و چارچوب فرهنگی و تاریخی، دانش و فن به عنوان مشخصه‌های مدرنیته توانسته‌اند با شتابی که هرگز و در هیچ جای دیگر نظیرش دیده نشده، رشد و توسعه یابند. این مجموعه گفتار و مطلبی است که برای تمام انسانها صرف‌نظر از اصل و تبار و عقاید مذهبی آنان قابل قبول و معتبر است. شاید وظیفه مهم و غیر قابل جایگزینی علوم انسانی و روشنفکران در آینده، تبیین و روشن ساختن این ریشه‌ها و علتها و این برد و باختها باشد. تبیین سرچشمه منازعات باریشه‌های کهن و در عین حال ضرورت نسبی کردن و حل صلح‌آمیز آنها. مگر آنکه بخواهیم یک فاصله عظیم برپاکنیم نظیر انفجار کره زمین در اثر یک فعل و انفعال حرارتی - هسته‌ای و یا چیزی که بعضیها از هم اکنون آن را هرج و مرج جهانی می‌نامند در مقابل کسانی که از یک «نظم نوین جهانی» دم می‌زنند. مسأله و پیچیدگی جهانی بودن، همان مسأله

1. acculturation

2. pluralisme

3. tolérance

4. sécularisme

دیالکتیک گریزناپذیر بین کثرت و وحدت (یکی بودن یا دنیایی بودن)، انزوا (یا استقلال) و مبادلات و سستهای انحصاری و مدرنیته جهان‌گرا، علم و دین، و نیز.... واکنشهای هویت‌جویانه (ملت‌گرایان، تمامیت‌خواهان و غیره) و ضرورت‌های مبادله و ارتباط است. عصر ما عصری است که از این امتیاز تاریخی بزرگ برخوردار است که در حال گذار از دنیایی با تمدنهای منزوی و به نوعی مبتنی بر محیطها و زمانهای متفاوت به زیبایی یکتا و مشخص شده یک محیط واحد (بازار جهانی) و یک زمان واحد (همزمانی همه وقایع) است و به عبارتی دیگر عصر ماعصر تولد یک ارتباط و یک جماعت جهانی است. اجتماع همیشه مقدم بر ارتباط بوده است: ارتباط ابتدا و قبل از هر چیز در داخل یک گروه کم و بیش همگون شکل می‌گیرد: گروهی از افراد که به یک زبان تکلم می‌کنند، دارای همان دین، همان ارزشها، همان تاریخ، همان سستها و همان حافظه هستند. به همین علت است که هنوز دورنمای یک جهانشمولی واقعی و وجود یک تاریخ برای کل بشریت مبهم و قابل تردید می‌نماید.

با این حال این تعمیم و عالمگیری و یا لاقاقل این روحیه عمومی و همگانی توسط همان شرایط و محدودیتهای دنیایی طرح ریزی شده است که در حال شکل‌گیری است، دنیایی که شاهد گذار از سیاره تمدنهای بسته و محصور به دنیای بسته و جمع و جوری است که والری^۱ از آن سخن می‌گوید: «عصر دنیای محدود آغاز می‌شود». این دنیای «بسته» خود دنیایی باز و شفاف است: باز و شفاف برای همه انسانها از طریق مسافرتها و رسانه‌ها. از این پس لازم است مفهوم زمان جهانی (یکدست شده) و فضای جهانی (یکگانه) را تعمیق و گسترش دهیم. مفهومی که در اثر متغیر شدن وسایل حمل و نقل و ایجاد جهش در سرعتها، ظهور امکان دسترسیهای مستقیم و آنی، جتها و ارتباط الکترونیکی بکلی دگرگون شده است.